

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

دستنامه

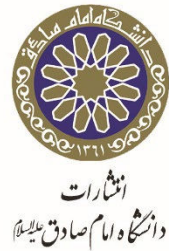
اقتصاد سیاسی بین الملل معاصر

گردآورندگان:

تیموتی ام شاو
لاورا سی ماهر نیاچ
رنو مودی
شو یای جونگ

مترجم:

داود کریمی پور
استادیار دانشگاه عالی دفاع ملی



عنوان: دستنامه اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر
گردآورندگان: تیموتی ام شاو، لاورا سی ماهرنباج، رنو مودی، شو یای جونگ
مترجم: دکتر داود کریمی پور
ناشر: دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
طراح جلد و مشاور هنری: رسول خسروبیگی
نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا
چاپ و صحافی: چاپ سپیدان
چاپ اول: ۱۴۰۲
قیمت: ۲/۳۰۰/۰۰۰ ریال
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۷-۳

فروشگاه مرکزی: تهران: خیابان انقلاب، بین خیابان فخررازی و خیابان دانشگاه، مجتمع پارسا، همکف، واحد ۲ و ۳
تلفن: ۶۶۹۵۴۶۰۳ - تلفن مرکز بخش: ۹۱۰۶۰۶۷۴۱۱
فروشگاه کتاب صادق: تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، ضلع شمالی دانشگاه
صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲
فروشگاه اینترنتی: <https://press.isu.ac.ir> • E-mail: pub@isu.ac.ir

عنوان و نام پدیدآور: دستنامه اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر / گردآورندگان: تیموتی ام شاو، لاورا سی ماهرنباج، رنو مودی، شو یای جونگ: ترجمه داود کریمی پور.
مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۳۷۷ ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۵۲۵۹-۹۷-۳
موضوع: رشد اقتصادی - جنبه‌های زیست‌محیطی / جهانی شدن / اقتصاد / علوم سیاسی / امنیت سیاسی
شناسه افزوده: شاو، تیموتی ام، ۱۹۴۵-م
شناسه افزوده: کریمی پور، داود، ۱۳۶۶
شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)
رده‌بندی کنگره: HD ۷۵/۶
رده‌بندی دیویی: ۳۳۸/۹
شماره کتابشناسی ملی: ۹۳۱۰۹۷۱

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست اجمالی



| | |
|-----|--|
| ۱۳ | سخن ناشر |
| ۱۵ | مقدمه مترجم |
| ۱۷ | تداوم و تغییر در اقتصاد سیاسی بین الملل در آغاز قرن بیست و یکم |
| ۴۹ | گونه های حکمرانی جهانی |
| ۶۷ | منطقه گرایی در بحران؟ |
| ۸۵ | سیاست داخلی و رهیافت اجتماعی |
| ۱۰۵ | کشورهای کوچک و با توسعه یافتگی حداقلی |
| ۱۲۵ | طبقه متوسط جهانی |
| ۱۴۵ | قدرت های متوسط در اقتصاد سیاسی بین الملل |
| ۱۶۵ | مفهوم قدرت های نوظهور |
| ۱۸۷ | چین و منابع جهانی |
| ۲۱۳ | اقتصاد سیاسی بین الملل رهبری ارز بین المللی |
| ۲۳۹ | جهانی شدن چیست؟ |
| ۲۶۱ | صندوق های ثروت ملی و اقتصاد سیاسی بین الملل |
| ۲۸۵ | اقتصاد سیاسی آب |
| ۳۰۷ | اقتصاد سیاسی رژیم های مرزی |
| ۳۲۵ | اقتصاد سیاسی بین الملل ورزش |
| ۳۴۵ | اقتصاد سیاسی بین الملل سلامت |

فهرست مطالب



| | |
|-------------------|----|
| سخن ناشر | ۱۳ |
| مقدمه مترجم | ۱۵ |

تداوم و تغییر در اقتصاد سیاسی بین‌الملل در آغاز قرن بیست و یکم

| | |
|--|----|
| لورا سی ماهرانباچ و تیموتی ام شاو | ۱۷ |
| درآمد | ۱۷ |
| نظریه معاصر اقتصاد سیاسی بین‌الملل | ۲۲ |
| بازارآیی نظم جهانی | ۲۵ |
| بحران‌های جهانی | ۳۲ |
| مسائل نوپدید در اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر | ۳۵ |
| دستورکاری برای توسعه اقتصاد سیاسی بین‌الملل در دهه پیشرو | ۳۹ |
| منابع | ۴۲ |

گونه‌های حکمرانی جهانی

| | |
|-------------------------|----|
| تیموتی جی سینکلیر | ۴۹ |
| درآمد | ۴۹ |
| فراملی‌گرایی | ۵۰ |
| جهان‌وطن‌گرایی | ۵۴ |
| هژمونی‌گرایی | ۵۸ |
| نتیجه‌گیری | ۶۲ |
| منابع | ۶۳ |

منطقه‌گرایی در بحران؟

| | |
|--|----|
| سیاستین کرپول | ۶۷ |
| همگرایی اروپا و مسئله عمومی سازی | ۶۹ |
| منطقه‌گرایی جدید: نظریه‌های جدید | ۷۱ |
| کامیابی‌های ابتدایی و بحران‌های دهه ۱۹۹۰ | ۷۲ |
| چالش‌های جدید پیش رو | ۷۷ |
| نتیجه‌گیری | ۷۸ |
| منابع | ۸۰ |

سیاست داخلی و رهیافت اجتماعی

| | |
|--|-----|
| استفان ای اسکریم | ۸۵ |
| معما | ۸۵ |
| نظریه‌های سیاست داخلی | ۸۷ |
| رهیافت اجتماعی به اقتصاد سیاسی بین‌الملل | ۹۰ |
| مطالعه موردی: همگرایی و واگرایی در گروه بیست | ۹۴ |
| نتیجه‌گیری | ۱۰۰ |
| منابع | ۱۰۲ |

کشورهای کوچک و با توسعه‌یافتگی حداقلی

| | |
|---|-----|
| تونی هرون | ۱۰۵ |
| کشورهای کوچک و با توسعه‌یافتگی حداقلی در نظم اقتصادی پساجنگ | ۱۰۸ |
| عامل داخلی کشورهای کوچک و دارای توسعه‌یافتگی حداقلی | ۱۱۲ |
| عامل خارجی دولت‌های کوچک و دارای توسعه‌یافتگی حداقلی | ۱۱۴ |
| نتیجه‌گیری | ۱۲۰ |
| منابع | ۱۲۲ |

طبقه متوسط جهانی

| | |
|---|-----|
| جف دایتون جانسون | ۱۲۵ |
| درآمد | ۱۲۵ |
| طبقه متوسط کیست؟ شاخص‌های اقتصادی | ۱۲۸ |
| طبقه متوسط به مثابه موتور رشد | ۱۳۱ |
| نابرابری، طبقه متوسط و عملکرد اقتصادی | ۱۳۴ |
| جمع‌بندی | ۱۳۹ |
| منابع | ۱۴۱ |

قدرت‌های متوسط در اقتصاد سیاسی بین‌الملل

| | |
|--|-----|
| مارك بیسون | ۱۴۵ |
| قدرت‌های متوسط در نظریه | ۱۴۷ |
| چگونه میتوان يك قدرت متوسط را تشخیص داد؟ | ۱۴۸ |
| قدرت‌های متوسط و نظم‌های هژمونیک | ۱۵۰ |
| نفوذ قدرت‌های متوسط در عمل | ۱۵۳ |
| موانع ساختاری نفوذ قدرت‌های متوسط | ۱۵۵ |
| نتیجه‌گیری | ۱۵۹ |
| منابع | ۱۶۱ |

مفهوم قدرت‌های نوظهور

| | |
|---------------------------------------|-----|
| لاورا سی. مهرنباچ | ۱۶۵ |
| مقدمه | ۱۶۵ |
| ویژگی‌های معاصر دولت‌های نوظهور | ۱۶۶ |
| توانایی مادی | ۱۶۸ |
| جاه‌طلبی دیپلماتیک | ۱۶۹ |
| شناسایی هم‌تایان | ۱۷۲ |
| نقد مفهومی | ۱۷۵ |
| فقدان انسجام | ۱۷۵ |

| | |
|----------|--|
| ۱۷۸..... | عدم تمایز..... |
| ۱۸۰..... | بازنگری؛ یکپارچه سازی مفهوم قدرت های نوظهور..... |
| ۱۸۲..... | منابع..... |

چین و منابع جهانی/۱۸۷

| | |
|----------|--|
| ۱۸۷..... | گیلز موهان و فراوک اورین..... |
| ۱۸۷..... | مقدمه..... |
| ۱۸۸..... | توسعه چین..... |
| ۱۹۱..... | کنشگران و سازوکارها..... |
| ۱۹۳..... | پیامدها: زیست بوم سیاسی پیشران های آسیایی..... |
| ۱۹۷..... | موارد..... |
| ۱۹۷..... | نیروی برق آبی در کامبوج..... |
| ۲۰۰..... | نفت و گاز در غنا..... |
| ۲۰۳..... | استخراج معدن در پرو..... |
| ۲۰۶..... | نتیجه گیری..... |
| ۲۰۹..... | منابع..... |

اقتصاد سیاسی بین الملل رهبری ارز بین المللی

| | |
|----------|---|
| ۲۱۳..... | ماتياس ورمیرن..... |
| ۲۱۵..... | سیاست های اقتصاد کلان و رهبری ارز بین المللی..... |
| ۲۲۱..... | مزایا و هزینه های رهبری ارز بین المللی..... |
| ۲۳۴..... | نتیجه گیری..... |
| ۲۳۶..... | منابع..... |

جهانی شدن چیست؟

| | |
|----------|-------------------------------|
| ۲۳۹..... | لیلا سیمونا تالانی..... |
| ۲۳۹..... | درآمد..... |
| ۲۴۰..... | آیا جهانی شدن وجود دارد؟..... |

| | |
|----------|--|
| ۲۴۳..... | رویکرد جهانی گرایان..... |
| ۲۴۵..... | تعریف کیفی از جهانی شدن..... |
| ۲۴۶..... | پیامدهای جهانی شدن چیست؟..... |
| ۲۴۸..... | اهمیت دگرگونی فناوری در رویکرد فراملی‌گرایی..... |
| ۲۵۳..... | آیا می‌توان جهانی شدن را اداره کرد؟..... |
| ۲۵۸..... | منابع..... |

صندوق‌های ثروت ملی و اقتصاد سیاسی بین‌الملل

| | |
|----------|---|
| ۲۶۱..... | کوی بی چونگ..... |
| ۲۶۴..... | صندوق‌های ثروت ملی و نگرانی‌های آنها..... |
| ۲۶۸..... | راه حل جهانی..... |
| ۲۷۰..... | جهش سیاست جهانی..... |
| ۲۷۶..... | نتیجه‌گیری..... |
| ۲۸۲..... | منابع..... |

اقتصاد سیاسی آب

| | |
|----------|-------------------------------|
| ۲۸۵..... | لاری آی سواتوک..... |
| ۲۸۶..... | چقدر آب وجود دارد؟..... |
| ۲۸۷..... | آب و قدرت..... |
| ۲۹۲..... | نقش آب در توسعه..... |
| ۲۹۳..... | سدسازی..... |
| ۲۹۶..... | هدایت جریان آب..... |
| ۲۹۷..... | شمار قابل توجهی از مسائل..... |
| ۲۹۷..... | آب شهری..... |
| ۲۹۸..... | آب برای غذا و کشاورزی..... |
| ۳۰۰..... | توسعه انتقال آب..... |
| ۳۰۲..... | نتیجه‌گیری..... |
| ۳۰۴..... | منابع..... |

اقتصاد سیاسی رژیم های مرزی

| | |
|----------|--|
| ۳۰۷..... | السكاندر كلراكسون..... |
| ۳۰۷..... | درآمد: مرزهای اروپا..... |
| ۳۰۸..... | دافع و جاذبه: دیدگاه های نظری ابتدایی..... |
| ۳۱۱..... | مراکز و پیرامون..... |
| ۳۱۴..... | تداوم تاریخی مهاجرت جهانی..... |
| ۳۱۸..... | جمع بندی: خطوط مبهم..... |
| ۳۲۱..... | منابع..... |

اقتصاد سیاسی بین الملل ورزش

| | |
|----------|------------------------------------|
| ۳۲۵..... | دیوید بلك و مایل هیبل..... |
| ۳۲۵..... | پیوند ورزش، ثروت، هویت و قدرت..... |
| ۳۲۸..... | ورزش و جهانی سازی..... |
| ۳۳۱..... | حمایت و نام تجاری..... |
| ۳۴۰..... | جمع بندی..... |
| ۳۴۱..... | منابع..... |

اقتصاد سیاسی بین الملل سلامت

| | |
|----------|--|
| ۳۴۵..... | جایه اکهارت و کلی لی..... |
| ۳۴۵..... | مقدمه..... |
| ۳۴۶..... | تغییر نقش دولت و بازار در مراقبت های بهداشتی..... |
| ۳۴۸..... | اثرات بهداشت و درمان بر اقتصاد جهانی تجدید ساختار یافته..... |
| ۳۵۲..... | اقتصاد سیاسی بین الملل شرکت های فعال در بهداشت جهانی..... |
| ۳۵۶..... | دلالت های سلامت قدرت های نوظهور در اقتصاد جهانی..... |
| ۳۵۸..... | اقتصاد سیاسی بین الملل حکمرانی بهداشت جهانی..... |
| ۳۵۹..... | جمع بندی..... |
| ۳۶۲..... | منابع..... |
| ۳۶۷..... | نمایه..... |

سخن ناشر



رسالت و مأموریت دانشگاه امام صادق (علیه السلام) «تولید علوم انسانی اسلامی» و «تربیت نیروی درجه یک برای نظام» (که در راهبردهای ابلاغی مقام معظم رهبری مدظله تعیین شده) است. اثرپذیری علوم انسانی از مبانی معرفتی و نقش معارف اسلامی در تحول علوم انسانی، دانشگاه را بر آن داشت که به طراحی نو و بازمهندسی نظام آموزشی و پژوهشی جهت پاسخ‌گویی به نیازهای نوظهور انقلاب، نظام اسلامی و تربیت اسلامی به‌عنوان یک اصل محوری برای تحقق مأموریت خویش بپردازد و بر این باور است که علم توأم با تزکیه نفس می‌تواند هویت جامعه را متأثر در مسیر تعالی و رشد قرار دهد.

از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آن‌هاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» درواقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه

اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام‌عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام) با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آن‌هاست تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه‌السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه مترجم



اقتصاد سیاسی بین‌الملل به عنوان يك دانش میان‌رشته‌ای، در انتقاد به رهیافت اقتصاد بین‌الملل، ظهور کرد. ناتوانی اقتصاد بین‌الملل در تجزیه و تحلیل پدیده‌های اقتصادی بین‌المللی سبب شد تا اندیشمندان در جستجوی کلیدواژه‌ای به نام قدرت رفته و دانش اقتصاد سیاسی بین‌الملل را پایه‌گذاری کنند. با این حال، اگرچه پیدایش اقتصاد سیاسی بین‌الملل مرهون تلاش‌های دانشمندان علم اقتصاد بوده، اما در نتیجه پژوهش‌های علم سیاست بین‌الملل رشد و تکامل یافته است. در سال‌های اخیر و با پیچیدگی و درهم‌تندبگی روزافزون مسائل اقتصادی و سیاسی، دامنه تحلیل‌ها در دانش اقتصاد سیاسی بین‌الملل بیش‌ازپیش گسترده شده و متفکران این عرصه، پای به تحلیل مسائل نوپدیدي گذاشته‌اند که پیش از آن، نظیر نداشته است. در همین راستا، کتاب پیش‌رو که ترجمه چندین مقاله برگزیده از دستنامه اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر است، تلاش کرده تا جدیدترین تحلیل‌ها در زمینه شناخت ماهیت پدیده‌های نوظهور اقتصادی-سیاسی جهانی را پیش‌روی مخاطبان قرار دهد. از تحلیل چگونگی تأثیرگذاری نهادهای سیاست داخلی بر رفتار کشورها در محیط بین‌المللی گرفته تا اقتصاد سیاسی بین‌الملل ظهور و رشد چین به مثابه يك قدرت نوظهور جهانی و تحلیل فرایندهای تبادل قدرت و ثروت در صنعت ورزش و بهداشت، بخش‌هایی از رهیافت‌های نظری و علمی کتاب پیش‌رو است. با توجه به اینکه اقتصاد سیاسی بین‌الملل در محافل علمی و دانشگاهی ایران کمتر توسعه یافته، امید می‌رود تا کتاب حاضر بتواند دریچه‌ای برای مطالعات بیشتر در زمینه را پیش‌روی جویندگان علم و دانش بگشاید.

داود کریمی پور

زمستان ۱۴۰۰

تداوم و تغییر در اقتصاد سیاسی بین الملل در آغاز قرن بیست و یکم

لورا سی ماهرناچ و تیموتی ام شاول^۱



درآمد

پس از استیلای جهانی نظام سرمایه‌داری در پایان جنگ سرد، میانه دوم دهه قرن بیست و یکم برخلاف پیش‌بینی‌ها، فراتر از یک نقطه عطف در اقتصاد سیاسی جهانی ظاهر شد. روی کار آمدن ترامپ در کاخ سفید و نضج‌گرایش‌های ملی و حمایت‌گرایانه، برگزیت و کنار رفتن ترزای می و قدرت گرفتن جریان‌های راست‌گرا در کشورهای جدید عضو اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که ابتکار «مشارکت نوین جهانی»^۲ به شیوه‌ای متفاوت از آنچه سازمان ملل عنوان کرده، پیش می‌رود (سازمان ملل؛ پاپلامپو^۳ و همکاران ۲۰۱۷). روند کند اصلاحات سبب شده تا اعضای بریکس (برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی) نهادهای حکمرانی اقتصادی جدیدی در کشور خود ایجاد کنند. هدف این کشور از تأسیس نهادهای جدید صرفاً جبران ناکارآمدی نهادهای کنونی نیست، بلکه آنها می‌کوشند تا فلسفه توسعه اقتصادی خود را با چشم‌انداز حکمرانی در جهان همسو کنند (چین ۲۰۱۴، آبدنور و فولی ۲۰۱۵)^۴. در همین زمان، مهاجرت‌های گسترده به ویژه به سوی اتحادیه اروپا با هراس از افراط‌گرایی مذهبی به شدت افزایش یافته است. این مهاجرت‌ها، جنبش‌های اجتماعی ملی‌گرایانه‌ای را به راه انداخته که

1. Laura C. Mahrenbach and Timothy M. Shaw
2. New Global Partnership
3. Pupilampu
4. Chin, 2014; Abdenur and Folly, 2015.

فصل مشترک تمامی آن‌ها، تردید پیرامون ضرورت حفظ حکمرانی سیاسی - و یا دست‌کم مدیریت - اقتصاد جهانی است. در این راستا، سخنرانی ترامپ در مجمع عمومی سازمان ملل و اعلام خروج آمریکا از موافقت‌نامه صلح پاریس و همچنین جنگ تجاری میان آمریکا و چین نیز این جنبش را تقویت کرده است.

نااطمینانی سیاسی با نیروهای اقتصادی متعارض بیش‌ازپیش تقویت شده است. از یک سو، نیروهای مختلف از هر طرف اقتصاد جهانی را هدف قرار داده‌اند که به طور نمونه می‌توان به مواردی از آن‌ها اشاره کرد:

- افول نمایان (یا بلندمدت؟) مراکز اصلی اقتصاد جهان شامل اتحادیه اروپا، ژاپن و ایالات متحده آمریکا؛
- دگرگونی و ناپیوستگی مداوم فناوری از اینترنت تا تلفن‌های همراه گرفته تا فناوری‌های مالی و اینترنت اشیا؛ و ...
- مسائل جدید و قدیم جهانی شامل تغییرات آب‌وهوایی، مواد مخدر، تسلیحات، گروه‌های تبهکار، مهاجرت، بنیادگرایی مذهبی و آب.

صندوق بین‌المللی پول در تازه‌ترین گزارش دورنمای اقتصاد جهانی خود (۲۰۱۷)، مشکلات ساختاری پایدار در اقتصاد جهانی را مطرح کرده و خاطرنشان می‌سازد که اراده سیاسی موجود برای عملیاتی کردن سیاست‌های اقتصادی ناکافی است. این نگرانی در سطح منطقه‌ای نیز به چشم می‌خورد. سازمان توسعه و همکاری اقتصادی معتقد است تداوم سطح بالای بیکاری در منطقه یورو، رشد اقتصادی این منطقه را در سال‌های آتی کند خواهد کرد.

از سوی دیگر، نشانه‌هایی از پیشرفت به چشم می‌خورد. خیزش بلند یک دهه‌ای کشورهای عضو بریکس، به توازن مجدد میان کشورها و نه ضرورتاً در داخل آن‌ها کمک کرده است (گری و مورفی^۱ ۲۰۱۳). قاره در حاشیه‌ای همچون آفریقا، رنسانسی که انتظار می‌رفت را تجربه می‌کند (شاو^۲ ۲۰۱۲): در واقع توصیفی که اکنون می‌ست از آفریقا به عنوان یک قاره امیدوار و نه ناامید داشت با پیشرفتی که در راستای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده، حداقل در برخی عرصه‌ها (همچون دسترسی به آب سالم) اکنون مورد

1. Gray and Murphy, 2013.
2. Shaw, 2012.

تأیید قرار گرفته است (بانک جهانی^۱ ۲۰۱۷). سازمان ملل در بیان از توسعه و در پاسخ به اشتیاقی که از سوی سازمان‌های مردم‌نهاد بین‌المللی (org, 2015. www.beyond) و اندیشکده‌ها وجود داشت، معیارهای جدیدی از توسعه را ذیل مفهوم «توسعه پایدار» معرفی کرده است. ([http:// www.un.org/sustainabledevelopment/](http://www.un.org/sustainabledevelopment/)) غفلت از محیط زیست و پیامدهایی که این معضل می‌تواند بر پیشرفت اقتصادی در جهان در حال توسعه اثر بگذارد، به طور خاص در معیارهای سازمان ملل مورد توجه قرار گرفته است. نشریه اکونومیست در تاریخ (۱۹، ۲۰۱۷) به این نکته اشاره کرد که برای نخستین بار از سال ۲۰۱۰ جهان غنی و کشورهای در حال توسعه جهش اقتصادی هم‌زمانی را تجربه خواهند کرد.

کتاب پیش رو به بررسی وضعیت تحلیل اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر می‌پردازد. تحلیل‌ها از اقتصاد سیاسی بین‌الملل نه فقط پس از پایان نظام دوقطبی و خیزش بازارهای نوظهور دستخوش دگرگونی شده بلکه توسط نیروهایی که در ابتدا اشاره شدند، لگدمال شده است. جهان عینی و نظری اقتصاد سیاسی بین‌الملل در سویه‌های گوناگونی در حال تغییر است. به طور مثال در ژوئن ۲۰۱۸ تهدید علیه چند جانبه‌گرایی به شدت رواج یافت. با روی کار آمدن ترامپ و روابط حسنه وی با پوتین از یک سو و کیم جونگ اون از سوی دیگر و در عین حال توهین به جاستین ترودو رئیس‌جمهور کانادا در ملاً عام، ترک اجلاس گروه هفت و عدم امضای موافقت‌نامه توسعه این گروه، چند جانبه‌گرایی عملاً زیر سؤال رفت. ما به عنوان تحلیلگران و طرفداران اقتصاد سیاسی بین‌الملل، باید به این مسئله بپردازیم که چگونه اتحاد میان رجال قدرتمند سیاسی می‌تواند بر اتحادیه اروپا، ناتو، سازمان تجارت جهانی و گروه بیست اثر بگذارد؛ فارغ از اینکه به بریکس و همکاری‌های جنوب-جنوب پرداخته شود. همچنین ما باید با پیامدهای این وضعیت دشوار نیز دست و پنجه نرم کنیم: در حالی که همکاری میان این رجال سیاسی می‌تواند تهدیدی علیه حکمرانی جهانی باشد، اما رقابت نیز می‌تواند به رویارویی میان آن‌ها بیانجامد (مک کینون^۲ ۲۰۱۸: ۱۳). به عنوان نمونه، رئیس‌جمهور هند نارندا مودی^۳ و شی جینگ پینگ^۴ به دلیل ترس از اعتبار داخلی خود نتوانستند در سال ۲۰۱۷ در راستای حل و فصل مسائل مرزی اقدامی انجام دهند

1. World Bank, 2017.

2. MacKinnon

3. Narendra Modi

4. Xi Jinping

(استونکل^۱ ۲۰۱۷). این وضعیت حتی به جایی رسید که اجلاس سالیانه بریکس کم مانده بود که به نزاع بیانجامد. لذا اکنون این سؤال مطرح شده که عضویت در سازمان‌های چندجانبه چه زمانی می‌تواند و چه زمانی نمی‌تواند بر چالش‌های میان کشورها فائق شود. نویسندگان این کتاب، پیرامون اینکه جهان‌های چندگانه اعم از جهان قدیم آتلانتیک شمالی/اقیانوسیه شمالی چگونه به جهان دوم (خاننا^۲ ۲۰۰۹) یا جهان درحال ظهور تغییر یافته و آیا این جهان‌ها با یکدیگر رشد کرده‌اند یا به دلیل بحران‌ها و بازاریابی نظم جهانی جدای از یکدیگر بروز یافته‌اند، رهیافت‌های مکملی را ارائه می‌دهند. هر فصل از کتاب اطلاعات جامع و به روزی پیرامون تحولات عینی و نظری ارائه می‌دهد: از بحران‌های آسیایی تا بحران‌های جهانی، از کشورهای توسعه‌یافته جدید تا بریکس و مکزیک، اندونزی، کره جنوبی، ترکیه و استرالیا. کسانی که در تدوین این کتاب مشارکت داشته‌اند همگی از متفکران شناخته‌شده و درحال ظهور اقتصاد سیاسی بین‌الملل هستند. این کتاب تنوعی از مباحث علمی را پوشش و پیرامون امور اقتصاد جهانی، تجربه‌های عملی و دانشگاهی را مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به تحولات اقتصاد سیاسی بین‌الملل، بسیاری از مشارکت‌کنندگان این کتاب از بومیان یا جوامع دور از وطن جهان جنوب هستند. ما امیدواریم این کتاب بتواند جریانی که از سوی افرادی همچون آمیتوف آکارا^۳ (۲۰۱۴)، آرلن تیکنر و اولی واور^۴ (۲۰۰۹)، پاراگ خاننا^۵ (www.paragkhanna.com; ۲۰۰۹)، اولیور استانکل^۶ (www.postwesternworld.com; ۲۰۱۵) و دیگران به سوی روابط بین‌الملل جهانی شکل گرفته را تقویت کند.

این کتاب سومین جلد از مجموعه‌های کتاب دستنامه‌های جدید انتشارات پالگیرو در اقتصاد سیاسی بین‌الملل است. جلد اول از این مجموعه با عنوان اقتصاد سیاسی بین‌الملل انرژی (وان دی گراف^۷ و همکاران ۲۰۱۶) و اقتصاد سیاسی بین‌الملل انتقادی (کافرونی^۸ و همکاران، ۲۰۱۶) منتشر شده‌اند. کتاب حاضر از مجموعه کتب اقتصاد سیاسی

1. Stuenkel
2. Khanna
3. Amitav Acharya
4. Arlene Tickner and Ole Wæver
5. Parag Khanna
6. Oliver Stuenkel
7. De Graaf et al
8. Cafruny et al.

بین‌الملل پالگیرو گردآوری شده توسط تیموتی ام شاو است (که در حال حاضر از سوی انتشارات اسپرینگر نیچر^۱ منتشر شده) که پس از ۳۵ سال، ۲۰ الی ۳۰ عنوان جدید گردآوری کرده است. مجموعه کتب اقتصاد سیاسی بین‌الملل پالگیرو عمدتاً بر جهان جنوب یا همان جهان سوم تمرکز دارند. هشت نسخه از کتاب‌های قدیمی پالگیرو که با کاغذ کاهی چاپ شده بود، در اواخر سال ۲۰۱۳ به همراه دیباچه تجدید چاپ شد. همچنان مسائل و حوزه‌های جغرافیایی پرشماری از جهان جنوب باقی مانده که باید مورد بررسی قرار بگیرد و لذا بسیاری از فصول این کتاب به همین امر اختصاص یافته است. اگر بخواهیم به پیچیدگی روزافزون اقتصاد کنونی و تصمیمات سیاسی هدایت‌کننده آن پی ببریم، نمی‌توان جهان جنوب را بدون بررسی تعاملاتش با جهان شمال مورد بررسی قرار داد. برگزیت، تغییرات آب‌وهوایی و عدم توازن در اقتصاد کلان از جمله موضوعاتی هستند که کتاب پیش رو بدان‌ها می‌پردازد. در واقع این کتاب در پی بررسی موضوعاتی است که جهان شمال می‌تواند همچنان مسئولیت حل و فصل آن‌ها را پذیرفته یا مسائلی که ثابت کند، همکاری جنوب و شمال در حل و فصل آن‌ها بسیار ضروری است.

این بررسی اولیه، در واقع درآمدی بر فصول این کتاب است. در فصل نخست به بررسی تحول نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر پرداخته می‌شود. به طور ویژه اینکه چگونه نظریه‌ها و مفاهیم هم‌زمان با دگرگونی‌های پرشمار در اقتصاد جهان دستخوش تغییر شده‌اند، به بحث گذاشته می‌شود. در فصل دوم بازاریابی نظم جهانی پس از شوک اقتصاد جهانی در دهه ۱۹۹۰، خیزش بریکس در دهه ۲۰۰۰، بحران مالی سال ۲۰۰۸ و بازیابی کنونی اقتصاد جهان مورد توجه قرار می‌گیرد. در فصل سوم به بحران‌های پرشمار و متنوع جهانی اعم از فقدان امنیت غذایی، مقررات مالی و توسعه که سیاست‌گذاران باید فکری برای آن کنند، اشاره می‌شود. در فصل چهارم ما به موضوعات متعدد و ویژه در اقتصاد سیاسی بین‌الملل می‌پردازیم. در این فصل، نویسندگان طرحی نو پیرامون موضوعات شناخته‌شده (مانند جهانی شدن) انداخته و یا عرصه‌های جدیدی را پیش رو قرار می‌دهند که پیامدهای اقتصادی خرد و کلان آن‌ها بسیار چشمگیر خواهد بود. در جمع‌بندی این کتاب، به پنج تغییری که باید در دهه‌های آینده نسبت به چگونگی فهم، تدریس و عمل به اقتصاد

سیاسی بین‌الملل به‌ویژه پیرامون در جهان جنوب ایجاد شود نیز اشاره خواهد شد.

نظریه معاصر اقتصاد سیاسی بین‌الملل

جای تعجب نیست که با توجه به دگرگونی‌ها در اقتصاد جهانی - و بستر سیاسی که این تغییرات در آن شکل گرفته و مدیریت شده - متفکران مرزهای نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل را بازتعریف کنند تا مسائل، کنشگران، نهادها و سطوح حکمرانی جدیدی را پوشش دهد. در واقع تا زمانی که رشته‌های شناخته شده و سنتی همچون روابط بین‌الملل نمی‌توانند نگاه خود را به فراتر از دولت و رویکردهای رسمی بدوزند، چنین گونه‌های نوینی از تحلیل به‌طور روزافزونی مورد نیاز خواهد بود. در ادبیات موجود، چندین روند بارز در مقالات منتشر شده از سوی نویسندگان این کتاب منعکس شده است.

روند نخست، اندیشمندان - و حتی پژوهشگران - نظریه‌های سنتی اقتصاد سیاسی بین‌الملل را با تنوع جغرافیایی روزافزون فهم ما از اقتصاد سیاسی بین‌الملل منطبق می‌کنند. جهان سرمایه‌داری هرگز جهانی گوناگون نبوده است؛ اما اکنون نویسندگان پی به «گونه‌های سرمایه‌داری»^۱ نوینی را در جهان جنوب علاوه بر سرمایه‌داری اروپا-آمریکا و اقیانوسیه برده‌اند (نولکی^۲ ۲۰۱۴). جالب آنجاست که گونه‌های جنوبی سرمایه‌داری نیز خود متنوع‌اند و حتی از منطقه‌ای به منطقه دیگر تفاوت دارند. به‌طور نمونه، می‌توان نیجریه و آفریقای جنوبی را مثال زد. هر دو کشور با وجود اینکه به شدت به یکدیگر پیونده خورده‌اند اما گونه‌های متفاوتی از سرمایه‌داری آفریقایی را نمایش می‌دهند. در حالی که اقتصاد سیاسی نیجریه به شدت غیررسمی بوده و بخش رسمی کوچک آن نیز در انرژی، نوشیدنی‌های الکلی، کالاهای مصرفی و... متمرکز است؛ اما اقتصاد رسمی در آفریقای جنوبی به خوبی قوام یافته و بر بخش‌های همچون معدن، تولیدات صنعتی، کشاورزی، مالی، خدمات و... استوار شده است. دگرگونی‌ها در اقتصاد جهانی و حکمرانی جهانی اقتصاد به‌طور هم‌زمان فعالیت‌های کنشگران جدید را تقویت کرده و موجب سلطه برخی دیگر شده است. از یک سو، برزیل و هند مشارکت بسیار فعالی در مذاکرات تجارت جهانی دارند (هوپ^۳ ۲۰۱۶). از سوی دیگر چین و اتحادیه اروپا نیز خلأ موجود در حکمرانی آب‌وهوایی جهان را فرصتی برای خود

1. Varieties of capitalism

2. Nölke

3. Hopewell

ارزیابی می‌کنند (آدامز^۱ ۲۰۱۷). قدرت‌های نوظهور و دولت‌های سنتی به طور جمعی یا فردی تلاش می‌کنند در نظام حکمرانی جهانی تحت سلطه آمریکا نقش‌های جدیدی به دست آورده و نظم موجود را در این فرایند تغییر دهند. تغییرات این چینی‌کاربرد نظریه قدیمی اقتصاد سیاسی بین‌الملل را در تبیین حکمرانی جهانی اقتصاد معاصر را به زیر سؤال برده است (برای مثال اشمیت^۲ ۲۰۰۹). در مقابل، اندیشمندان مفاهیم نوینی را مطرح کرده و با ترکیب بندی مجدد مفاهیم گذشته، می‌کوشند تا تأثیر تنوع جغرافیایی حکمرانی را بر اقتصاد سیاسی جهانی بهتر بررسی کنند (دست رادی ۲۰۱۶، فونسکا و همکاران^۳ ۲۰۱۶).

روند دوم، نویسندگانی را مخاطب قرار می‌دهد که مرزهای سنتی را برای پیش‌بینی بهتر و جبران کمبودها در فهم ما، به جلو سوق می‌دهند. این ابتکارها اغلب به دلیل تغییراتی که در اقتصاد جهانی و حکمرانی جهانی اقتصاد روی داده، رونق یافته‌اند. به طور نمونه، برخورد میان تقاضاهای روزافزون انرژی و تهدید تغییرات آب‌وهوایی زمینه‌ساز تحول مجدد برداشت‌ها از نظریه مارکسیسم پیرامون اینکه سرمایه‌داری چرا و چگونه در اقتصاد جهانی شکل می‌گیرد، شده است (نگاه شود به دی موزیو و داو^۴ فصل ۳۴ این کتاب). به همین سان، تکثیر دولت‌ها در جهان (کوپر و شاو^۵ ۲۰۱۳) که با برگزیت، هجوم مهاجرین به اتحادیه اروپا و تضعیف این اتحادیه به عنوان یک الگوی منطقه‌ای، نمود یافته، متفکران را به طرح منطقه‌گرایی‌های نوین وادار ساخته است (کراپول ۲۰۱۷، شاو و همکاران^۶ ۲۰۱۱). سایر نوآوری‌ها نیز حیطه نظریه‌های سنتی را گسترش می‌دهند. به عنوان نمونه پژوهش در رابطه با جنگ مالی، علاوه بر اینکه تأکید نظریه نواقح‌گرایی بر توازن قدرت و امنیت را منعکس می‌کند، کاربرد آن را نیز در سیاست‌گذاری مالی و توسعه نیز نشان می‌دهد (رابرتس و همکاران^۷ ۲۰۱۸). به همین سان، اکنون کاملاً واضح شده که سیاست داخلی کشورها بر روی مسائل فنی همچون اصلاح قوانین حل‌وفصل مناقشه در سازمان جهانی تجارت نیز تأثیرگذار است. لذا اکنون این سؤال مطرح شده که هنگامی که فشار انتخابات در سیاست

1. Adams
2. Schmidt
3. Destradi 2016; Fonseca et al
4. DiMuzio and Dow
5. Cooper and Shaw
6. Krapohl 2017; Shaw et al.
7. Roberts et al

داخلی ضعیف است، چگونه علائق و ترجیحات داخلی می‌تواند بر رویکرد و مواضع جهانی در عرصه اقتصادی تأثیر بگذارد (ماهرنباچ^۱ ۲۰۱۶). سایر نویسندگان نیز همانند اندیشمندان و گزارش‌کنندگان اقتصاد سیاسی بین‌الملل تلاش می‌کنند تا سردرگمی نظری موجود را برطرف سازند. به عنوان نمونه، متو ایگلتون پیرس^۲ (۲۰۱۶) نظریه نئولیبرالیسم را به ۴۴ مفهوم تقسیم می‌کند. وی با این تقسیم‌بندی نشان می‌دهد که چگونه نئولیبرالیسم توانسته رفتار اقتصادی را در سطوح فردی، ملی و جهانی تحت تأثیر قرار دهد.

در روند نهایی، اندیشمندان افق‌های نظری اقتصاد سیاسی بین‌الملل را در پاسخ به پیچیدگی روزافزون حکمرانی اقتصادی گسترش می‌دهند. گونه‌های ترکیبی همانند شبه دولت‌ها همواره سازمان‌ها و قوانین صرفاً بین‌دولتی را به چالش کشیده‌اند. لذا حکمرانی همواره در حال بازنگری و بازتعریف است (هرمن و ویلیام ۲۰۱۳، بیور^۳ ۲۰۱۱). همسو با بازیابی و بازسازی حکمرانی فراملی (دینگورث ۲۰۰۸، هلی و هلد ۲۰۱۱ و همچنین نگاه شود به کوهن و نای^۴ ۱۹۷۲)، سازمان‌های بین‌المللی غیررسمی در اقتصاد جهانی مورد توجه قرار گرفته‌اند (وابیولاس و نیدال^۵ ۲۰۱۳). افزون بر این، اندیشمندان توجه هرچه بیشتری را به ایجاد و تعامل میان-سطوح مختلف حکمرانی معطوف کرده‌اند. این مهم به ویژه در ارتباط با تغییراتی که در تجارت جهانی روی داده، بیشتر به چشم می‌خورد. گفتگوهای جدید پیرامون تجارت و مشارکت سرمایه‌گذاری فرآتلاتیکی میان ایالات متحده و اتحادیه اروپا، مشارکت عمومی را برانگیخته است. برای نمونه تظاهراتی که چندی پیش در شهر والونیای^۶ بلژیک به راه افتاد به خوبی نشان می‌دهد که کنشگران فرودولتی در محیط قطبی شده کنونی تاچه اندازه حائز اهمیت هستند. موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی منطقه‌ای و دوجانبه به شدت گسترش یافته است. ابتکارهایی همچون دستورکار توسعه دوحه^۷ گرایش به سوی نهادگرایی نحیف را تقویت کرده و نظام‌های قدرت-بنیان حکمرانی تجاری را نیرو بخشیده است (ترومر^۸ ۲۰۱۷). اندیشمندان علم تجارت در پاسخ به چنین وضعیتی، در تحلیل روابط قدرت در هسته اصلی حکمرانی تجارت

1. Mahrenbach

2. Matthew Eagleton-Pierce

3. Harman and Williams 2013; Bevir, 2011.

4. Dingwerth 2008; Hale and Held 2011; see also Keohane and Nye, 1972.

5. Vabulas and Snidal

6. Wallonia

7. Doha Development Agenda

8. Trommer

هوپ ول ۲۰۱۶، نارلیکار و پریادراشی^۱ (۲۰۱۴)، کنشگران غیردولتی را نیز مدنظر قرار می‌دهند (سلیس بورگی^۲ ۲۰۱۸). این اندیشمندان در حال حاضر روی به روزآمدسازی نظریه‌ها آورده تا بتوانند تعامل میان سطوح متفاوتی از سیاست‌گذاری تجارتي را پوشش دهند (ماهرنباچ^۳ ۲۰۱۳). این تحولات نظری پیامدهای بلندمدتی را بر اقتصاد سیاسی بین‌الملل برجای خواهد گذاشت. به عنوان نمونه، این دگرگونی‌ها سبب شده تا برنامه‌های تحصیلات تکمیلی نوآورانه‌ای مانند دکترادر دانشگاه‌هایی همچون ماساچوست، بوستون و اتلوی^۴ راه‌اندازی شود تا اندیشمندان جوان سهم بسزایی در گسترش مفاهیم حکمرانی جهانی داشته باشند.

فصول آتی این بخش در واقع بازتابی از این روندها خواهد بود. در فصل‌های آتی، پیچیدگی و تنوع روزافزونی که امور جهانی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد در سطوح مختلف تحلیل می‌شود. علاوه بر این، فصول ذیل، پیامدهای تجربی نظریه اقتصاد سیاسی بین‌الملل در قبال تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و اجتماعی در سرتاسر جهان را منعکس می‌کند. اکنون این پرسش مطرح است که تطابق نظری چگونه به افزایش توانایی ما در تبیین دگرگونی‌های اقتصاد جهانی می‌انجامد؟ چگونه این انطباق نظری می‌تواند ما در تربیت دانشجویانمان که اندیشمندان، فعالان، مشاوران و پژوهشگران فردا هستند یاری کند؟

بازآرایی نظم جهانی

برجستگی و نقش‌آفرینی فعال قدرت‌های نوظهور و بازارهای در حال پیدایش اعم از بریکس و غیر بریکس، روابط جهانی را دچار گذار بنیادین کرده است. این گذار در تکثیر رویکردهای نظری درباره اقتصادها، طبقه‌های متوسط، شرکت‌های چندملیتی، دولت‌ها و جوامع در حال ظهور در امور اقتصاد معاصر به خوبی خود را نشان می‌دهد. همچنان می‌توان در تحلیل‌های میان‌رشته‌ای از بازآرایی جهانی نیز ردپایی از این گذار را مشاهده کرد. برای درک این واقعیت می‌توان رهیافت اقتصاد سیاسی گولداستین^۵ (۲۰۰۹) به شرکت‌های چندملیتی نوظهور را با مفهوم اجتماعی «جوامع در حال ظهور» پیترس^۶ (۲۰۱۱) مقایسه کرد.

1. Siles-Brügge
2. Hopewell
3. Mahrenbach
4. University of Massachusetts, Boston, or Waterloo
5. Goldstein
6. Pieterse

نوآوری‌ها در معماری نهادی مطالعه اقتصاد سیاسی بین‌الملل همچون مراکز جدیدی که برای مطالعات بریکس در دهلی (www.orfonline.org)، ریو (www.bricspolicycenter.org) و تورنتو (<http://www.brics.utoronto.ca>) و نهادهایی که با هدف مطالعات منطقه‌ای و منطقه‌گرایی همچون مؤسسه مطالعات جهانی و محیطی آلمان در هامبورگ (www.giga-hamburg.de) یا مؤسسه دانشگاهی مطالعات تطبیقی همگرایی منطقه‌ای سازمان ملل در پراگ (www.cris.unu.edu) نمودار شده است. این نهادها در واقع گذار جهانی را در خط مقدم مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل را طی سال‌های آتی حفظ کرده‌اند.

اگرچه بخش قابل توجه این کتاب به مطالعه بریکس و قدرت‌های در حال ظهور یا در حال خیزش اختصاص دارد، اما اندیشمندان اقتصاد سیاسی بین‌الملل ناگزیر، به گوناگونی امور «جدید» در جهان معاصر نیز اشاره می‌کنند. مطالعات صورت گرفته به طور جزئی و دقیق به بررسی کنشگری رو به رشد قدرت‌های متوسط، قدرت‌های منطقه‌ای و سایر قدرت‌ها در امور جهانی پرداخته‌اند. این مطالعات نشان می‌دهد که این بازاریابی چگونه در عرصه‌ها، جغرافیا و سطوح مختلفی از تحلیل روی می‌دهد (هریس ۲۰۰۵، جردن ۲۰۰۳، نارلیکار ۲۰۱۰). با ادغام گروه هشت در گروه بیست (کوپر و همکاران ۲۰۰۷)، تحلیلگران تلاش کردند تا نقشه جهان در حال ظهور را ترسیم کنند. «جهان دوم»^۳ پاراگ خانا (۲۰۰۹) و «جهان غیردولتی»^۴ شورای اطلاعات ملی ایالات متحده آمریکا^۵ در واقع نمونه‌ای از این جهان‌های در حال ظهور هستند (www.gt2030.com). در این مضمون، باید به دگرگونی‌ها و گسستگی‌های فناورانه و گذرایی و موقتی بودن چیزهای «جدید» نیز اشاره کرد. از حملات باجگیرانه سال ۲۰۱۷ تا پیدایش فناوری چاپ سه بعدی همگی در حال تغییر مزیت‌های (معایب) نسبی و باورها هستند. در عین اینکه می‌توانند پیامدهای قابل توجهی نیز برای علم، صنعت، سیاست و بزهکاری به همراه داشته باشد.

سنگ بنای کتاب حاضر بر اساس این روندها شکل گرفته است. کتاب پیش‌رو دو نوع از بازاریابی نظم جهانی-اقتصادی و سیاسی- و همچنین پیامدهای دگرگونی‌های چشمگیر

1. Harris, 2005; Jordaan, 2003; Narlikar, 2010.

2. Cooper et al

3. Second world

4. Non-state world

5. US National Intelligence Council

همچون خیزش چین بر مطالعات اقتصاد سیاسی بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. در ابتدا با کمک دانش روابط بین‌الملل، بازاریابی نظم سیاسی جهان مورد بررسی قرار می‌گیرد (برای مثال استونکل ۲۰۱۵، کاهلر ۲۰۱۳). دانشمندان اقتصاد سیاسی بین‌الملل پیامدهای قدرت روبه رشد دولت‌های نوظهور بر حکمرانی اقتصادی را در سطح منطقه‌ای و جهانی مورد واکاوی قرار داده‌اند. به‌طور مثال، در عرصه مالی می‌توان به بحث‌هایی همچون اصلاحات صندوق بین‌المللی پول (وودز ۲۰۱۰^۲)، رهیافت‌های غیررسمی به حکمرانی مالی (هین ۲۰۱۰^۳) و راهبردهای مالی (آرمیجو و کاتادا ۲۰۱۵^۴) اشاره کرد. در عرصه تجاری، اکنون اندیشمندان از مباحث سنتی و ایستایی همچون پیامدهای موافقت‌نامه‌های تجارت ترجیحی (باگاتی ۲۰۰۸^۵) عبور کرده و به بررسی اینکه چگونه کنشگران جدید (هانان ۲۰۱۶^۶)، کنشگرانی که به‌تازگی قدرتمند شده‌اند (ویکرز ۲۰۱۲^۷، سینگ ۲۰۱۷^۷) و وضعیت در حال تغییر جهان خارج (اونت و هوکمن ۲۰۰۹^۸)، باورها- و ظرفیت- حکمرانی تجارت جهانی ما را دستخوش دگرگونی کرده، می‌پردازند. اکنون این مسئله مطرح است که طی دهه آتی، قانون‌گذار و مجری قانون در اقتصاد جهانی چه کسی خواهد بود (لوانکس و سرانو ۲۰۱۶^۹). البته کاملاً مشخص است که قدرت‌های نوظهور برای چنین نقشی دندان تیز کرده‌اند. همان‌طور که اولیور استانکل^{۱۰} (۲۰۱۶، ۲) می‌نویسد، اعضای سازمان بریکس همانند کشورهای جهان جنوب در حال تمرین رهبری حکمرانی اقتصاد جهانی هستند. اعضای بریکس با نهادهایی که ایجاد کرده‌اند، امروز برخی از این امتیازهای رهبری را در اختیار دارند. باوجود این، پویای راهبردی قدرت در امور بین‌المللی بدون تغییر باقی مانده است. باید منتظر بود تا دید که دولت‌های جنوب چگونه می‌توانند فراتر از نهادهای خودساخته به امتیاز رهبری در سطح جهان دست پیدا کنند.

به همین سان، باید دید که دولت‌های جهان شمال-به‌ویژه ایالات متحده- در نهادهای

1. Stuenkel, 2015; Kahler, 2013.
2. Woods
3. Heine
4. Armijo and Katada
5. Bhagwati, 2008.
6. Hannah
7. Vickers, 2012; Singh, 2017.
8. Evenett and Hoekman, 2009.
9. Lavenex and Serrano
10. Oliver Stuenkel

رسمی و غیررسمی حکمرانی اقتصاد جهانی چگونه با این تغییرات کنار آمده و به آن‌ها واکنش نشان می‌دهند. آمیتوف آچارا^۱ (۲۰۱۴)، پایان نظم آمریکایی جهان را پیش‌بینی می‌کند. وی نه تنها به افول آمریکا اشاره می‌کند، بلکه معتقد است آمریکا باید بیش‌ازپیش با دولت‌های در حال ظهور در حکمرانی جهانی و منطقه‌ای مشارکت کند. ایچینگ‌رین^۲ (۲۰۱۱) معتقد است دلار آمریکا همچنان در سال‌های آتی نیز به عنوان ارز مسلط جهانی باقی خواهد ماند. وی در عین حال اشاره می‌کند که آمریکا ناچار است - برای سلامت مالی - سیاست خارجی اقتصادی خود را با تغییرات در عرصه جهانی همسو سازد. لساگ و وان دی گراف^۳ (۲۰۱۵) در ارتباط با نهادها به این مسئله اشاره می‌کنند که انواع مختلفی از نهادها در پاسخ به دگرگونی جهانی ایجاد شده‌اند. پژوهش وان گراف و لساگ، گونه‌شناسی مفیدی از پاسخ‌های نهادی ارائه می‌دهد. همچین اسکریم^۴ (۲۰۱۳) به این موضوع اشاره می‌کند که چگونه فشار داخلی سبب تغییر در ساختار گروه بیست شده است. بازآرایی نظم سیاسی و رفتاری در میان دولت‌های سنتی و در حال ظهور همان قدر که به کارآمدی حکمرانی آسیب می‌زند، آن را تقویت نیز می‌کند (ناک و کاتادا^۵ ۲۰۱۳). با این حال اگرچه تلاش‌هایی صورت گرفت تا نظم جدید سیاسی در نهادها همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول نهادینه شود، اما این تلاش‌ها تغییر ناچیزی در تصمیم‌گیری داخل این سازمان‌ها به همراه داشت (وسترگارد و وادی^۶ ۲۰۱۵). از این رو، تأسیس نهادهای جدیدی مانند بانک توسعه زیرساخت آسیا^۷ و بانک توسعه نوین^۸، بر چگونگی و مکان تعیین قواعد جهانی تأثیر می‌گذارند.

بازآرایی اقتصادی در واقع به طیف گوناگونی از تلاش‌ها برای انطباق تصمیم‌گیری جهانی اشاره می‌کند. به عنوان مثال حروف اختصاری بریکس از سوی جیم اونیل^۹ اقتصاددان سرشناس شرکت مالی جهانی معروف به گولمدن ساکس^{۱۰} (۲۰۰۱) پیشنهاد شده است. کشورهای عضو بریکس در سال ۲۰۰۹ تلاش کردند تا این سازمان را به یک گروه‌بندی سیاسی

1. Amitav Acharya
2. Eichengreen
3. Lesage and Van de Graaf
4. Schirm
5. Knaack and Katada
6. Vestergaard and Wade
7. Infrastructure Investment Bank
8. New Development Bank
9. Jim O'Neill
10. Goldman Sachs

تبدیل و از اینکه شرکت بزرگی همچون گل‌مدن ساکس ظرفیت اقتصادی آن‌ها را به رسمیت شناخته، برای ارتقای مشروعیت خویش استفاده کنند (استانکل^۱ ۲۰۱۵). بازار روبه رشد و درحال ظهور شرکت‌های چندملیتی، نقش آفرینی روزافزون این شرکت‌ها در سرمایه‌گذاری‌های توسعه در سطح جهان (چین^۲ ۲۰۱۴) و حضور فزاینده آن‌ها در بازارهای مالی، حکمرانی و تدوین دستور کارهای جهانی بیانگر به رسمیت شناخته شدن این ظرفیت دارد (هوتری و هانمان^۳ ۲۰۱۴). هم‌زمان با اینکه ایالات متحده، شعار نخست آمریکا را مطرح می‌کند که به معنای کنار گذاشتن پروژه‌های بلندمدت در سطح جهانی است، کشورهای جهان جنوب نیز تلاش می‌کنند تا به وسیله ابتکارهایی که جهان جنوب و شمال را به یکدیگر پیوند می‌زند، از زیر یوغ تجارت آزاد و سرمایه‌گذاری خارجی خود را برهانند. مثال اخیر این تلاش‌ها، موافقت‌نامه جامع و پیشرفته مشارکت ترانس پاسیفیک^۴ است که میان یازده دولت در سال ۲۰۱۸ به امضا رسید. پیش‌بینی می‌شود که این ابتکار بتواند سالیانه ۱٫۷ درصد رشد اقتصادی کشورهای عضو را تا سال ۲۰۳۰ افزایش دهد (اکونومیست^۵ ۲۰۱۸). پیدایش (دوباره؟) یا شناسایی طبقه متوسط جهانی در جهان جنوب همان‌طور که اقتصاد سیاسی بین‌الملل را تحت تأثیر قرار داده، نردبان اجتماعی^۶ را درست همانند کشورهای جهان شمال سرازیر کرده است. به عنوان نمونه، شرکت‌های چندملیتی، برندها و فرانشیزهایی که خودرو، پوشاک، وسایل الکترونیکی، ابزارهای سرگرمی، غذا و تجهیزات رسانه‌ای تولید می‌کنند، به گونه روزافزونی بازارهای جهان جنوب را هدف خود قرار داده‌اند که از آن جمله می‌توان به دیاگو اسپریت^۷ و فرنچ فرایزهای مک کین^۸ اشاره کرد. علاوه بر این، برخی برندها، بازارها و صنایع نوظهور را مورد توجه قرار داده‌اند. برای نمونه، کارآفرینان نیجریه‌ای فرانشیزهای (فست فود) خود همچون ماما کاس^۹ و مستر بیگس^{۱۰} را در رقابت با

1. Stuenkel

2. Chin

3. Huotari and Hanemann

4. Comprehensive and Progressive Agreement for Trans-Pacific Partnership

5. The Economist

6. Social ladder

7. Diageo spirits

8. McCain

9. Mama Cass

10. Mr Biggs

برندهای معتبری همچون کی اف سی^۱، نادو^۲ و ... به راه انداخته‌اند. پس از بهبود وضعیت اقتصادی این کشورها در عرصه جهانی کار به جایی رسیده که دیگر فقیرترین کشورها که معمولاً با عنوان دولت‌های شکننده یا ورشکسته شناخته می‌شوند دیگر حرفی از نیاز به توسعه نمی‌زنند (نگاه شود به www.foreignpolicy.com/failed_states و به جای آن‌ها این جوامع تهی دست در جهان دوم (و اول؟!) هستند که دغدغه توسعه و پیشرفت دارند. این واقعیت، خط صاف خیزش طبقه متوسط در جهان جنوب را به خوبی نمایان می‌سازد. علاوه بر این، تغییر شرایط خارجی و عدم استقبال از اصلاحات ضروری، رشد اقتصادی که در ابتدای دهه ۲۰۰۰ شکل گرفته بود را پیچیده و دشوار ساخته است (اکونومیست ۲۰۱۷). در میان کشورهای عضو بریکس تنها یک کشور (هند) رشد پایدار سالیانه‌ای پس از بحران جهانی اقتصاد در سال ۲۰۰۸ داشته است (بانک جهانی ۲۰۱۶).

ما و این اندیشمندان در مورد اینکه بازاریابی اقتصادی و سیاسی یک فرایند پویا است، اتفاق نظر داریم. آمیزش دگرگونی‌های فناورانه، زیست محیطی، حقوقی و شخصی بدین معنا است که حتی تغییرات جزئی در یک کشور می‌تواند پیامدهای جهانی به همراه داشته باشد. برای نمونه می‌توان به بخش اقتصادی قانونی و رسمی که اکنون دولت کانادا در اکتبر ۲۰۱۸ معرفی کرده، اشاره کرد. صنعت ماری جوانا خیلی ساده یک شبه توانست به رؤیای کارآفرینان، دولت‌ها و البته اهالی صنعت-که معمولاً موجب افزایش ارزش سهام در بازار بورس می‌شوند- تبدیل شود. تأثیر اصلی قانونی شدن این صنعت، کاهش جریان غیرقانونی و غیررسمی فرآوردهای ماری جوانا و عدم شبیه‌سازی محصول جدید توسط کسب‌وکارهای نوپا بود. البته با چنین تصمیمی، اقتصاد بزرگ نشد، بلکه تنها یک بخش غیرقانونی، وجه قانونی و رسمی به خود گرفت. تحولاتی از این دست، پیامدهای دامنه‌دار و گسترده‌ای را به همراه داشته است. در یک نمونه، چند شرکت کانادایی و دیگر شرکت‌های چندملیتی، شامل کانوپی گورث^۳، آفریا^۴ و آیوروا^۵ به خرید و فروش شرکت‌ها و تأسیسات مرتبط با این صنعت در استرالیا، کلرادو و ... روی آوردند. این مهم سبب شد تا چهار صندوق تبادل تجاری با تمرکز بر این بخش در کانادا

1. KFC
2. Nando
3. Canopy Growth
4. Aphria
5. Aurora

ایجاد شود که نسبت به توسعه این بخش، فراتر از انتظار بود. تدوین ساختار صنعت ماری جوانا با خود فرصت تدوین مقررات دولتی که از آن جمله مقررات کیفیت محصول، محتوای روان‌گردان، صادرات، واردات و مالیات ستانی را به همراه آورد. این مهم سبب شد تا مسئله نمایندگی منافع شرکت‌ها در داخل کانادا نیز با تغییر روبه‌رو شود. برخی تلاش کردند تا با شرکت‌های ماری جوانا و صنایع مرتبط همچون تولید مشروبات الکلی، داروسازی، کشاورزی و غذا، پویش‌های مشترکی را ایجاد کرده یا با مخالفت با این صنعت پردازند. به دلیل همین زمینه پویا و دستخوش تغییر، نویسندگان کتاب پیش‌رو، موضوعاتی گسترده اعم از جوامع دور از وطن و اصلاحات حکمرانی جهانی را مورد بررسی قرار می‌دهند.

سخن آخر آنکه، چشمگیرترین بعد بازاریابی نظم جهانی خیزش چین است. خیزش چین از دو حیث حائز اهمیت است. در بعد نخست، لجستیک و چارچوب زمانی خیزش این کشور در میزگردهای دانشگاهی و سیاست‌گذاری مورد بحث قرار گرفته است. در حالی که بسیاری معتقدند چین تا سال ۲۰۲۵ بزرگ‌ترین اقتصاد جهان خواهند بود (هاکوسورث و کوکسن^۱ ۲۰۰۸)، برخی دیگر پیش‌بینی می‌کنند که این کشور بتواند بر اساس شاخص نرخ مبادله بازار^۲ در سال ۲۰۲۹ آمریکا را پشت سر بگذارد (سی‌ای بی آر^۳ ۲۰۱۵). این در حالی است که صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی بر این باورند که بر اساس شاخص برابری قدرت خرید^۴ در سال ۲۰۱۶ چین هم‌اکنون بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است (بانک جهانی ۲۰۱۶، نقشه داده صندوق بین‌المللی پول ۲۰۱۷). حال سؤال این است که اگر اقتصاد آمریکا و جهان شمال و اقیانوسیه در پایان دهه دوم قرن بیست و یکم قدرت یافته و احیا شود، چه اتفاقی روی خواهد داد؟ آیا توازن قدرت اقتصادی بار دیگر به نفع جهان شمال تغییر می‌یابد؟ جنبه دیگر خیزش چین، به ارتباط میان این کشور و حکمرانی اقتصاد جهانی در جهان جنوب و فراسوی آن اشاره دارد. آیا چین با چند جانبه‌گرایی نهادینه شده امروز که همسو با منافع جهان شمال است، خو خواهد گرفت (اسکات و ویلکینسون^۵ ۲۰۱۵)؟ آیا رهبران پکن با رهبری بریکس، بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت و سازمان همکاری شانگهای

1. Hawksorth and Cookson
2. market exchange rates
3. CEBR
4. purchasing power parity
5. Scott and Wilkinson

به رویارویی با هنجارهای جهانی شناخته شده برمی‌خیزند؟ (لی^۱ ۲۰۱۴) آیا چین می‌تواند نظمی را در سطح جهان ایجاد کند که بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی را به سایر کنشگران اقتصادی اولویت دهد (اس او یی، شو^۲ ۲۰۱۲)؟ اگر جایگاه چین در میان اعضای بریکس تغییر کند، چه پاسخی به این پرسش‌ها می‌توان داد؟ نویسندگان این کتاب به پرسش‌های ازاین دست و بیشتر در رابطه با بازاریابی نظم جهانی پاسخ خواهند داد.

بحران‌های جهانی

همسو با تداوم بازاریابی نظم جهانی، شمار بحران‌های جهانی همراه آن نیز چندین برابر شده است. اقتصاد سیاسی بین‌الملل در رویارویی با بحران‌هایی همچون تغییرات آب‌وهوایی، فقدان امنیت غذایی، بهشت‌های مالیاتی و برگزیت، تحلیل‌های علمی و ابزارهای سیاست‌گذاری را به منظور مهار چالش‌های روبه‌رشدی که کشورهای جهان جنوب و شمال با آن سردرگیرباند، ارائه می‌دهد. تنوع موضوعی این بحران‌ها نشان‌دهنده گوناگونی ریسک‌های فعال در اقتصاد جهانی امروز است. خوشبختانه، اندیشمندان و کنشگران اقتصاد سیاسی بین‌الملل در جبهه‌های پرشماری نقش‌آفرینی می‌کنند. شناسایی و نقادی موضوعات (جدید) و بررسی واکنش‌های گوناگون دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد، شهروندان و دیگر کنشگران در برابر این چالش‌ها، ازجمله فعالیت این اندیشمندان است. همان‌طور که در معرفی این کتاب از نظر گذشت، در این بخش چند مورد انگشت‌شمار از این بحران‌ها مورد بررسی قرار گرفته و چگونگی رویارویی اندیشمندان اقتصادی سیاسی بین‌الملل با آن‌ها به بحث گذاشته می‌شود.

بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ و تکاپویی که دولت‌ها برای کاهش آسیب‌های ملی و مهار فاجعه اقتصادی به کار گرفتند، سبب شد تا مقررات مالی و عدم توازن اقتصاد کلان در مرکز سیاست‌گذاری جهانی قرار بگیرد. در این راستا کیندلبرگر و آلیبر^۳ (۲۰۱۱) وام‌دهی بدون مقررات در بازار آمریکا را علت اصلی بحران مالی جهانی معرفی می‌کنند. این پژوهشگران معتقدند دولت آمریکا به دلیل اینکه نتوانست علت اصلی دقیق این بحران‌ها را شناسایی کند، به راهکارهای سیاستی روی آورد که در جلوگیری از بحران‌های آتی و مشابه

1. Li

2. SOEs; Xu

3. Kindleberger and Aliber

هیچ فایده‌ای نخواهند داشت. خارج از ایالات متحده، دستورهای ملی در دیگر کشورها نه تنها راهکارهای داخلی را مشروط کرده، بلکه دایره و مقیاس راهکارهای سیاست‌گذارانه هماهنگ را نیز بسیار محدود ساختند (فاولی و نیلی ۲۰۱۳)^۱. پس از بحران مالی سال ۲۰۰۸، بحران گریبان کشورهای منطقه یورو را گرفت و اکنون که آمریکا با روی کار آمدن ترامپ از تعهدات خود در قبال نظم لیبرال جهانی سرباز زده، بار دیگر نگرانی‌ها پیرامون بحران مالی جهانی گسترش یافته است. لذا امروز حکمرانی اقتصاد جهانی بسیار ضرورت یافته است. باید اذعان کرد که معماری اقتصاد جهانی بیش از پیش سیال شده است. شورای ثبات مالی^۲ (www.financialstabilityboard.org) با شبکه اندیشکده‌هایی همچون شبکه مقابله با ریسک مجمع جهانی اقتصاد^۳ (www.weforum.org/global-risks-2012) و مؤسسه جهانی ریسک^۴ (www.globalriskinstitute.com) همکاری تنگاتنگی دارند. در عین حال، اصلاحات انجام شده در حکمرانی مالیه جهانی تأثیر اندکی بر پارادایم‌های سیاست‌گذاری یا توزیع واقعی قدرت در این نهادها داشته است (هوتاری و هانمن ۲۰۱۴، بروم ۲۰۱۵). باشگاه حکمرانی فرامرزی مالیه جهانی^۶ به رغم ناکامی‌ها، به کار خود ادامه می‌دهد (شینگو^۷ ۲۰۱۵). آیا واقعاً امروز برای رویارویی با یک بحران مالی جهانی آماده تراز سال ۲۰۰۶ هستیم؟ برای اینکه بتوان از دستاوردهای مقررات‌گذاری و حکمرانی صیانت نمود تا چه اندازه باید در عرصه‌های مختلف از جمله (توسعه، سلامت، محیط زیست و مالیه) به طور مشترک همکاری کرد؟

در مسئله توسعه آنچه اکنون نیاز است، همکاری است. والا در زمینه مالیه، طیفی از جریان‌ها به سمت جهان جنوب سرازیر شده است. این جریان‌ها شامل سرمایه خصوصی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، سازمان‌های بشردوستانه دینی، حواله‌ها و حتی پول شویی می‌شود (شاکسون^۸ ۲۰۱۱). با این حال، سهم کمک مالی برای توسعه از جابجایی فرامرزی منابع مالی روبه کاهش است (براون ۲۰۱۱)^۹. آن طور که پیدا است حتی الگوها و گفتمان کمک‌های مالی توسعه نیز دستخوش

1. Fawley and Neely

2. Financial Stability Board

3. World Economic Forum (WEF's) Risk Response Network financial Stability Board

4. Global Risk Institute

5. Huotari and Hanemann, 2014; Broome, 2015.

6. Transnational club governance

7. Tsingou

8. Shaxson

9. Brown

تغییر شده است (چین و کوادر^۱ ۲۰۱۲). شمار اهداکنندگان منابع مالی برای توسعه روزبه‌روز در حال افزایش است. در حال حاضر اعضای بریکس، کره جنوبی، ترکیه، سازمان‌های خصوصی مانند بنیاد گیتس^۲، حواله‌های جوامع دور از وطن و صندوق‌های توسعه ملی از جمله کمک‌کنندگان مالی توسعه به شمار می‌آیند. علاوه بر این، از محل مالیات بر کربن، تغییرات آب‌وهوایی، زنجیره تأمین انرژی و تراکنش‌های مالی نیز کمک‌های برای توسعه جمع‌آوری می‌شود (بسادا و کیندرونی^۳ ۲۰۱۳). به رغم این نوآوری‌ها، به پایان رسیدن اهداف توسعه هزاره در سال ۲۰۱۵ نشان داد که همچنان جا برای تلاش‌های بیشتر برای بهبود وضعیت توسعه وجود دارد. از این رو به رهیافت‌های جدیدی برای رسیدگی به مسائلی همچون جنسیت، نابرابری اقتصادی، تغییرات آب‌وهوایی، فقر، گرسنگی و منازعه نیاز است. در معیارهای سه‌گانه‌ای که در اهداف توسعه پایدار قید شده، به وضوح می‌توان شدت و عمق این چالش‌ها را مشاهده کرد: کامیابی در هر کدام از این دسته‌بندی‌های سه‌گانه (و زیرشاخه‌های آن) بستگی به موفقیت در هر سه دسته دارد. علاوه بر این شرط چهارمی نیز وجود دارد (ساجس^۴ ۲۰۱۲) و آن دستیابی به حکمرانی خوب در تمامی سطوح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی در بازه کوتاه مدت است.

در حال حاضر هیچ بحرانی فوری‌تر از فقدان امنیت غذایی وجود ندارد. با وجود اینکه طی پنج ساله گذشته، امنیت غذایی بهبود یافته، اما منازعه‌های پایدار و سیاست‌های غذایی نابسامان‌کننده بازار از سوی دولت‌ها، سبب شده تا قیمت و دسترسی به غذا در آینده در بسیاری از کشورها در معرض ریسک و بی‌ثباتی قرار بگیرد (گروه اکونومیست^۵ ۲۰۱۷). بر اساس شاخص جهانی گرسنگی^۶، در حال حاضر ۵۰ کشور دچار گرسنگی شدید یا هشداردهنده بوده و ۱۰ کشور دیگری که در این شاخص قرار ندارند، با نگرانی جدی روبه‌رو هستند (ون گبمر و همکاران^۷ ۲۰۱۶). باتوجه به ظهور محور «آب، انرژی و غذا» برخی از تحلیلگران معتقدند باید قید کالاهای اساسی همچون انرژی (کبیر^۸ ۲۰۱۲) و آب و صدا البته

1. Chin and Quadir
2. Gates Foundation
3. Besada and Kindornay
4. Sachs
5. The Economist Group
6. Global Hunger Index
7. Von Gebmer et al.
8. Klare

مواد خام زمینی را بزئیم (چرو و مودی ۲۰۱۳)^۱. افزون بر این پیامدهای موردی، فقدان امنیت غذایی و یا نگرانی پیرامون امنیت غذایی تصمیم‌گیری جهانی را پیچیده‌تر از گذشته کرده و بحران‌های چندگانه را نیز وخیم‌تر کرده است. برای مثال، نگرانی پیرامون امنیت غذایی سبب شده تا در مذاکرات و گفتگوهای کاری در میز شام در سازمان جهانی تجارت، بلوک بزرگ و پرنفوذی در قبال مسائل کشاورزی شکل بگیرد.

باتوجه به این بحران‌های جهانی، اقتصاد سیاسی بین‌الملل علاوه بر اینکه این شرایط در حال تغییر را بررسی می‌کند، باید همسو با مفاد و شیوه پیاده‌سازی سیاست‌هایی که برای رسیدگی به این بحران‌های جهانی تدوین شده، توصیه‌های لازم را ارائه دهد. کنشگران دولتی و غیردولتی چگونه با این بحران‌ها گلاویز شوند؟ چگونه می‌توان از فناوری بهتر استفاده کرد تا تلاش‌های کنشگران کارآمدتر شود؟

مسائل نوپدید در اقتصاد سیاسی بین‌الملل معاصر

اقتصاد سیاسی بین‌الملل و دیگر رویکردها در بیست و پنج گذشته با شمار روزافزونی از مسائل جهانی روبه‌رو بوده که خارج از جهان جنوب و شمال در حال رویش هستند. این مسائل شامل مشکلات زیست‌محیطی و سایر پیامدهای تغییرات آب‌وهوایی، ویروس‌های بهداشتی، جرائم سایبری و بدافزارهای رایانه‌ای می‌شود. در بخشی از این کتاب، ما از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل به بررسی موضوعاتی می‌پردازیم که مورد غفلت قرار گرفته و یا احساس می‌کنیم لازم است تا با رهیافت جدیدی به این مسائل پرداخته شود. این موضوعات جهانی معاصر بسیار گسترده‌اند که از آن جمله می‌توان به مسائل سنتی همچون جنسیت، جهانی‌شدن و مسائلی که اگرچه نسبت به این مسائل کمتر رایج هستند اما به همان اندازه از اهمیت برخوردارند مانند شرط‌بندی، ورزش، حریم خصوصی و فناوری اشاره کرد. ما برخی از این موضوعات در حال ظهور را از منظر اقتصاد سیاسی بین‌الملل بررسی می‌کنیم. امیدواریم شما بتوانید با ارتباطی که این فصول برقرار می‌کنید بتوانید به جزئیات بیشتری از این پی ببرید.

امنیت غیرسنتی^۲ حوزه‌ای است که روزبه‌روز در حال شناخته شدن است. این حوزه

1. Cheru and Modi
2. Non-traditional security